

## تحلیل و بررسی ضرورت اجرای حکم قصاص در جامعه

محمد مهدی کریمی نیا<sup>۱</sup>، محمدرضا دودمانی گشتی<sup>۲</sup>، مجتبی انصاری مقدم<sup>۳</sup>، مرتضی فاضلی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> طلبه حوزه علمیه، دانش پژوه کارشناسی ارشد مجتمع فقه و حقوق قضای اسلامی قم

<sup>۳</sup> دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر مطالعات اسلامی و مدرس دانشگاه

<sup>۴</sup> دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

### چکیده

قصاص اصطلاحی فقهی و به معنای مجازات مجرم، به تناسب جرم است. در اصل، قانون قصاص موجب بازدارندگی از وقوع جرم می شود، چرا که اگر کسی بداند در مقابل هر جرمی که مرتکب شود قصاص و مقابله ای به مثل خواهد داشت، از ارتکاب جرم دوری می کند. اما در مقابل بسیاری دیگر نیز قصاص را نوعی مجازات بی رحمانه می دانند که از دوران کهن بر جای مانده است. برخی شاهد می آورند که طی سالیان دراز در جوامعی که قصاص وجود داشته، جرائم نیز وجود داشته است، پس عاملیت بازدارندگی قصاص اشتباه است. در این نوشته نظرات موافقین و مخالفین مطرح گردیده و سپس به بیان برتری حق قصاص بر مجازات های جایگزین (زندان و اعدام قطعی) که برای آن مطرح می کنند در دو بخش مجزا با مقایسه اعدام قطعی با قصاص و مقایسه زندان با قصاص پرداخته شده است. لذا تلاش شده تا بیان شود اجرای حکم قصاص در جامعه چه ضرورتی دارد؟ بهترین پاسخ این سؤال این است که ضرورت اجرای قصاص برای حفظ حیات و امنیت جامعه پیشگیری از جرم و رعایت تقوا می باشد. برای این پژوهش به قرآن و سنت و کتب حقوقی و فقهی مراجعه شده است و مهمترین دست آورد این تحقیق پاسخ محکم به شبهات مخالفان حکم قصاص و برتری حق قصاص بر هر جایگزین دیگری برای این حکم الهی می باشد.

**واژه های کلیدی:** قصاص، جزاء، چرایی تشریح قصاص، موافقان و مخالفان، مجازات جایگزین، اعدام قطعی، زندان ابد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

قصاص اصطلاحی فقهی و به معنای مجازات مجرم، به تناسب جرم است بشر در زمان های قدیم برای مجازات مجرمان حدی قائل نبود و ارتکاب جرم ناچیزی کافی بود تا در حق مجرم مجازات نا محدودی اعمال شود. در شرایع الهی و ادیان آسمانی، قانون قصاص وضع شد که به موجب آن مجازات مجرم متناسب با جرم انجام شده مقرر گردید. قصاص موجب بازدارندگی از وقوع جرم می شود، چرا که اگر کسی بداند در مقابل هر جرمی که مرتکب شود مقابله ای به مثل خواهد داشت، از ارتکاب جرم دوری می کند. اما در مقابل بسیاری دیگر نیز قصاص به مثل را نوعی مجازات بی رحمانه و سنتی می دانند که از دوران کهن بر جای مانده است. برخی شاهد می آورند که طی سالیان دراز در جوامعی که قصاص وجود داشته، جرائم نیز وجود داشته است. پس عاملیت بازدارندگی قصاص اشتباه است. هدف اصلی این تحقیق تبیین ضرورت اجرای قصاص و بقای این حکم در نظام حقوقی ایران به منظور داشتن جامعه ای سعادت محور می باشد. و این که به شبهاتی که مخالفان این حکم الهی ایجاد می کنند تا از اجرای آن در جامعه جلوگیری کنند، پاسخ داده شود. ضرورت اجرای قصاص به منظور حفظ حیات و امنیت جامعه، پیشگیری از جرم و رعایت تقوا و همچنین جلوگیری از آسیب های شدید و ناعادلانه و غیر انسانی زندان و اعدام قطعی که در بعضی جوامع جایگزین حق قصاص می کنند می شود؛ در نتیجه برای داشتن جامعه ای سعادت محور می باشد. در این زمینه کتاب ها و پایان نامه ها و مقالاتی وجود دارد که مهمترین آنها از این قرار است: کتاب القصاص للفقها و الخواص، تالیف آیت الله حاج آقا رضا مدنی کاشانی و کتاب القصاص لمعه، تالیف شهید اول. مقاله قصاص در قرآن کریم، نویسنده: روح الله ملکیان و مقاله قصاص، نویسنده: محمد بهرامی. پایان نامه سقوط قصاص در نظام حقوقی اسلام و ایران، نویسنده: سید حسن میر حسینی و پایان نامه بررسی و تحلیل قصد مجرمانه در جرایم منجر به قصاص در فقه شیعه و حقوق کیفری ایران، نویسنده: مهراں رحمانی آبرزگه.

و در انتها بیان می دارم که وجه امتیاز این مقاله این است که در آن به بررسی علت اجرای حکم قصاص و تاثیر آن در جامعه و همچنین به بررسی نظریات مختلف درباره حکم قصاص پرداخته شده است و مهمترین وجه امتیاز این پژوهش پاسخ به شبهات مخالفان اجرای حکم قصاص است.

## ۱. مفاهیم

## ۱-۱. قصاص

قصاص در فرهنگ لغت فارسی به معنای کشته کسی را کشتن آمده است. (دهخدا، ۱۳۵۹ش، واژه قصاص). و همچنین در فرهنگ معین به معنای مجازات و کیفر همسنگ می باشد. (معین، ۱۳۹۰ش، واژه قصاص). و در لغت عرب قصاص به معنای پیگیری نمودن اثر چیزی بیان شده است. (ابن مکرم، ۱۳۹۴ش، ج ۱۱، ص ۱۹۰).  
 قصاص در اصطلاح فقه به معنای پیگیری نمودن اثر جنایت است به گونه ای که قصاص کننده همان جنایتی که جانی بر او وارد ساخته را بر خود او وارد نماید. (نجفی، ۱۳۹۳ش، ج ۷، ص ۴۲).  
 قصاص در اصطلاح حقوقی به معنای تلافی و استیفای عینی جنایتی که در قتل عمدی و قطع عضو و جرح عمدی بر مجنی علیه وارد شده است می باشد به شکلی که اثر بجای مانده از جنایت عینا روی جانی اجرا شده و بدست آید. (ایمانی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۲۳).

## ۱-۲. جزا

جزا در لغت فارسی به معنای مکافات و پاداش است. (معین، ۱۳۹۰ش، واژه جزا). و در لغت نامه دهخدا به معنای مکافات خواه در خیر باشد یا در شر باشد. (دهخدا، ۱۳۵۹ش، واژه جزا). و جزا در لغت عرب به معنای کیفر و پاداش می باشد. (ابراهیم، ۱۳۸۵ش، واژه جزا).

جزا در اصطلاح فقه به معنای کیفر سیئات و اعمال قبیح انسان می باشد و جزا بر دو قسم است:

الف. جزای اخروی که عبارت است از انواع عذاب در جهان واپسین که خدای متعال از آن خبر داده است و دامنگیر کفار، مشرکان و منافقان می شود.

ب. جزای دنیوی عبارت است از کیفر هایی که خداوند در این جهان برای بزهکاران مقرر کرده است. موضوع سخن در این نوشتار جزای دنیوی است.

جزا در اصطلاح حقوق معنای اصلی آن مجازات است هر چند به معنای پاداش نیز به کار رفته است و مجازات در اصطلاح حقوق واکنش اجتماعی رسمی است که قانونگذار آن را در قبال ارتکاب یک رفتار وضع کرده و توسط محاکم رسمی بر مرتکبین دارای مسئولیت کیفری اعمال می شود. (مصطفی پور، ۱۳۹۵ش، ج ۳، ص ۵ و ۷).

## ۲. چرایی تشریح قصاص و آثار آن در جامعه

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد شاید شما تقوا پیشه کنید. (بقره: ۱۷۹).

با توجه به آیه مذکور و آیات و روایات دیگر می توان تا حدودی فلسفه تشریح قصاص و آثار آن در جامعه را بیان نمود. لذا طی چند مبحث آن را ذکر می کنیم.

## ۱-۲. بازداری از قتل

بی گمان قصاص عاملی مهم در بازداری مردم از ارتکاب جنایت به ویژه قتل عمد می باشد؛ زیرا آگاهی از کیفر برابر موجب می شود تا انسان خردمند و عاقل به دست خود خویشتن را به هلاکت نیافکند و زمینه قطع اعضای خویش را فراهم نیاورد. از این روست که در اجرای قصاص، علنی بودن و علی روس الاشهاد، تشریح شده است تا خرمندان با دیدن مجازات و کیفر ارتکاب جنایات بدانند که هر گونه ارتکاب عمل جنایی می تواند این گونه قصاص را به همراه داشته باشد. بنابراین بازدارندگی یکی از مهم ترین علل تشریح حکم قصاص می باشد که در این آیه به صراحت بیان شده است. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۶۰۳).

## ۲-۲. تقوا

دست یابی به مرتبه یا مراتبی از تقوا از دیگر علل و اهداف تشریح قانون قصاص می باشد که در آیه بیان شده است. البته می تواند این تقوا به معنای تقوای مطلق و اصطلاحی باشد چنان که می تواند به معنای همان تقوای لغوی باشد. به این معنا که تشریح قصاص زمینه ای برای تقوای خرمندان فراهم می آورد و آنان را نسبت به علل و اهداف احکام و آموزه های دستوری خداوند آگاه می سازد. بنابراین، به نواهی خداوند به دیده مصلحت و منفعتی می نگرد که در متعلقات احکام وجود دارد. البته

به نظر می رسد که تقوای از پلشتی ها و پرهیز و اجتناب از پلیدی های عقلانی و عقلایی مراد و منظور از تقوا در آیه است. به این معنا که هدف از تشریح قانون قصاص، هوشیار باشی به خردمندان و عاقلان جامعه است که مواظب اعمال و رفتار خویش باشند و از ارتکاب بزه ها و ناپهنجاری جنحه ای و جنایی پرهیز کنند تا گرفتار قصاص نگردند.

### ۲-۳. حیات جامعه

خداوند در این آیه به صراحت قصاص را مهم ترین عامل حیات جامعه می شمارد و با مخاطب قرار دادن خردمندان و عقلایی جامعه در چرایی تشریح این حکم می فرماید که جامعه با قصاص حیات می یابد؛ زیرا اگر غده سرطانی قتل عمد به جراحی قصاص قطع و بریده نشود و از جامعه کنده نگردد، می تواند همه جامعه را آلوده کند و مرگ و نیستی را برای آن جامعه رقم بزند؛ زیرا امنیت جان و عرض و مال، از مهم ترین علل پایداری و ایجاد جوامع بشری است و اگر این عنصر و فلسفه ایجاد جامعه به سبب قتل های عمدی از میان برود و یا افراد جامعه برای مجازات قائل به جان هم بیافتند، دیگر جامعه ای بر جا نخواهد ماند و فلسفه ایجاد جامعه از میان می رود. از این روست که خداوند حیات جامعه را به قصاص و اجرای آن منوط دانسته است. خداوند در آیه ۳۳ سوره اسراء از زیاده روی و افراط در قصاص بازداشته و نهی نموده است. این می تواند به چند معنا باشد که از جمله نهی از شدت عمل در کیفر و پا نهی از مجازات دیگران از بستگان قاتل و حتی نسبت به خود قاتل به هر شکلی مانند اهانت باشد. از این روست که حضرت امیر مومنان علی (ع) از حسنین (ع) می خواهد تا نسبت به ابن ملجم مدارا کرده و جز قصاص چنان که عدالت اقتضا می کند عمل نکنند و حتی طعام و شیر خویش را برای قاتل خویش می فرستند تا از هر گونه اهانت نسبت به وی جلوگیری به عمل آورد. (سید رضی، ۱۳۸۴ش، نامه ۴۷).

خداوند در همین آیه تبیین می کند که در صورت خودداری اولیای دم از زیاده روی و اسراف در قصاص، خداوند به اشکال دیگری به یاری ولی مقتول می شتابد و زمینه های برآوردن حاجات و نیازهایش را فراهم می آورد. به هر حال، اجرای قصاص به شکل گفته شده و مبانی و آداب اسلامی نه تنها موجب بحران اجتماعی نمی شود بلکه عامل حیات اجتماعی و سرزندگی و شادابی جامعه است و در نقش بازدارنده از ارتکاب گناه و جرم عمل می کنند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۶۰۴).

### ۳. بررسی نظریات مختلف راجع به کیفر قصاص

با مطالعه دیدگاه ادیان الهی و دیدگاه مکاتب مشهور حقوق جزا در مورد قصاص روشن می شود که هر قدر به پیش می رویم، دیدگاه ها درباره مجازات قصاص و اعدام منفی تر می شود و مکاتب به جای مجازات قصاص و اعدام، تبعید، زندان و مجازاتهای بازدارنده و اصلاح کننده را پیشنهاد می کنند، تا آنجا که جهت الغای مجازات قصاص و اعدام اقدامات همه جانبه ای در عرصه بین المللی صورت می گیرد، به گونه ای که در طول چند دهه، بسیاری از حکومت های جهان تحت تأثیر این افکار به الغای مجازات قصاص (اعدام) در کشور خود پرداخته اند و در حال حاضر نیز لغو این مجازات تلاشهای گسترده ای از طرف سازمانهای بین المللی در سراسر جهان صورت می گیرد. لذا در این بخش سعی شده تا حدودی دلایل مخالفان و موافقان مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۳-۱. دلایل مخالفان کیفر قصاص

##### ۳-۱-۱. از لحاظ فلسفی - اعتقادی

هرگاه کسانی مرتکب قتل و جنایت بر علیه چندین فرد معصوم گردند باید دید علت ارتکاب چنین فجایی چه می باشد، آیا وی واقعاً و از روی بد ذاتی و قساوت مرتکب چنین جرایم شده است یا اینکه عوامل اجتماعی و روانی و محیطی که در آن رشد

و پرورش نموده باعث ارتکاب آن بوده است؟ لذا اگر ثابت شود که وی بیماری، روانی است، آیا سلب حیات یک بیمار که در اثر بیماری ای که اجتماع بر وی تحمیل نموده است و مرتکب افعالی گردیده، می تواند عادلانه باشد؟

### ۳-۱-۲. از لحاظ حقوق جزایی

بکاریا در نفی اثر اربعایی اعدام می گوید: «تجربه همه قرون نشان می دهد کیفر اعدام هرگز مردمانی که مصمم به آسیب رساندن به جامعه بوده اند منصرف نکرده است.» (بکاریا، ۱۳۷۷ش، ص ۵۶).

### ۳-۱-۳. از لحاظ سیاست جزایی

مخالفان اعدام (قصاص) معتقدند که با توجه به آموزه های جدید کیفری و ظهور مکاتب نوین جزایی دیگر هدف از مجازات سرکوبی و طرد و حذف کامل مجرم از جامعه نمی باشد، به عبارت دیگر امروزه دیگر جرم های ثقیل اهمیت فعالیتهای کیفری را نشان نمی دهد بلکه این مجرم و مطالعه حالات و کیفیات اعمال ارتكابی وی می باشد که واجد اهمیت گشته است و در دنیای حاضر هدف اصلی حقوق کیفری، اصلاح و تربیت مجرم می باشد.

### ۳-۱-۴. از لحاظ احساسات و اثرات اجتماعی

از آثار شوم دیگری که اعمال کیفر مرگ در جامعه دارد تأثیر مخربی است که بر روحیه و احساسات مردم داشته و باعث تخریب روحیات نوع دوستی و ارزش و احترام به مقام انسانیت در جامعه می شود. زیرا وقتی افراد جامعه می بینند که جامعه با اشتیاق فراوان به بهانه اجرای عدالت، فردی از اعضای خود را دست و پا بسته در حضور هزاران نظاره گر به دار می آویزد، حس خشونت و خونخواری برخی از افراد جامعه تحریک شده و آنها را تشنه قتل و آدمکشی می نماید. لذا برای ترویج و تبلیغ حس نوع دوستی و احترام به مقام والای انسانیت در میان اعضای جامعه لازم است که چنین مجازات سهمگینی از صحنه روزگار محو گردد.

### ۳-۲. دلایل موافقان کیفر قصاص

#### ۳-۲-۱. اجرای عدالت

به نظر موافقان برای مجرمی که با سنگدلی و قساوت، جان فرد دیگری را گرفته، اعدام (قصاص) تنها مجازاتی است که با توسل به آن می توان امیدوار بود که عدالت اجرا گردیده است چرا که در این صورت مجرم به عنوان کفاره گناه همان چیزی را از دست می دهد که از دیگری سلب نموده است. به گفته دکتر اردبیلی: «شرف و مقام انسانی هر فرد، وقتی محترم است که از جایگاه انسانی خود تنزل نکند. کسی که به جان و آزادی دیگری احترام نهد و حق حیات وی را سلب کند، خود نیز شایسته دوست داشتن نیست.» (اردبیلی، ۱۳۹۶ش، ج ۲، ص).

#### ۳-۲-۲. ارباب مجرمین

اعدام (قصاص) دارای بیشترین و موثرترین بازدارندگی نسبت به افراد و مجرمین بالقوه است که ممکن است واجد تفکرات مجرمانه ی بوده و در آینده مرتکب اعمال مجرمانه گردند لذا جامعه با سلب حیات مرتکبین اعمال مجرمانه، مجرمین بالقوه را با تهدید به سلب حیات، خلع سلاح می نماید. بر این اثر اربعایی اعدام (قصاص) از جانب طرفداران بسیار تأکید شده است و شاید ملکه دلایل محسوب گردد به این دلیل که معتقدند نزد انسان ها هیچ چیز عزیز تر و شیرین تر از حق حیات نمی باشد و هر فرد ذی شعوری در حفظ و ایمن نگه داشتن آن سعی و تلاش را به کار می برد. اتخاذ تدابیر پیچیده در مخفی کردن قتل

ارتكابی توسط قاتل به چه معنا است، آیا جز این است که قاتل از دستگیر شدن و در نهایت مجازات هر کسی که در انتظار او خواهد بود می‌هراسد؟

روز به روز قتل‌ها پیچیده تر می‌گردد و قاتلین در تلاش هستند که جنایات خود را حساب شده تر انجام دهند. این همه نشان ترس مخالفان، به ویژه قاتلان حرفه‌ای از مجازات، خصوصاً مجازات اعدام است، آن اصلاح‌گرانی که با قاطعیت اظهار می‌دارند منظره چوبه دار به هیچ وجه در دیدگاه کسانی که مصمم به ارتکاب جنایت هستند، تجلی ندارد، در واقع مدعی هستند که از درون و ما فی الضمیر هر قاتلی آگاهی کامل دارند.

کمیسیونی که در سال ۱۹۵۳ در انگلستان تشکیل گردید، تا در میزان تأثیر مجازات اعدام در جلوگیری از وقوع جرم تحقیق کند، گزارش داد: «ما می‌توانیم موارد بی‌اثر بودن آن تعیین کنیم، ولی نمی‌توانیم مواردی که مؤثر بوده است، شمارش کنیم». (اقامیرسلیم، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵ و ۱۶)

باید توجه داشت، همیشه اشخاصی که با زندگی خود قمار می‌کنند، وجود داشته‌اند، لیکن ما وسیله‌ای نداریم، تا بدان طریق بتوانیم، بین کسانی که از مجازات اعدام وحشت دارند و آنان که خوفی به خود راه نمی‌دهند، تمییز قائل شویم و تعداد کسانی را که بر اثر این وحشت از ارتکاب جرم استنکاف می‌کنند معین سازیم.

### ۳-۲-۳. تأمین امنیت جامعه

موافقین اظهار می‌دارند که اعدام مؤثرترین وسیله‌ای است که جامعه را از شر مجرمین خطرناک مصون نگه داشته و امنیت جامعه را تضمین می‌نماید و با حذف جانیان از جامعه، امکان ارتکاب مجدد جنایت را از آن‌ها سلب می‌کند. زیرا مجرم زنده و در قید حیات خطرناک بوده و هر آن احتمال دارد مرتکب جرایم جدیدی بر علیه افراد جامعه گردد حتی اگر در زندان باشد. لذا با اعدام چنین مجرمانی خیال جامعه حداقل از این بابت آسوده می‌شود که قطعاً آن مجرم دیگر مرتکب جنایت جدیدی نخواهد شد.

### ۳-۲-۴. تسکین افکار عمومی

به نظر موافقان هر گاه در جامعه جنایت فجیع و خشونت باری اتفاق افتد، جنایتی که تقریباً اکثر افراد محل وقوع آن و گاهی اوقات در اثر انتشار در جرایم اکثر مردم یک کشور را از آن با خبر می‌شوند، چنان حس انتقام خواهی و نفرت و انزجار از مجرم در میان مردم موج می‌گیرد که تنها عاملی که می‌توان باعث فروکش کردن این آتش خشم افکار عمومی گردد مجازات اعدام می‌باشد و سایر مجازات‌های جایگزین همانند، زندان، مخصوصاً به دلیل سوءظنی که نسبت به زندان دارند و آنرا گاهی اوقات هتل می‌نامند به هیچ عنوان نمی‌توان چنین اثری داشته‌باشد. دکتر منوچهر خزانی در این باره می‌گوید: «اینکه ادعا شده است حبس ابد جانشین اعدام شود، باید گفت که حبس ابد امکان دارد، در پیشگیری فردی مؤثر باشد ولی در پیشگیری عمومی و عبرت دیگران تأثیری نخواهد داشت به علاوه از لحاظ روانشناسی اجتماعی، رعب و وحشتی که مجازات اعدام در انسان ایجاد می‌کند، مجازات سالب آزادی چنین تأثیری به جای نمی‌گذارد.» (خزانی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۰).

### ۳-۳. بررسی نظریات

از آنجایی که مجازات‌ها در تشریح اسلامی، همان نظام کیفری در اسلام می‌باشد و این نظام شامل مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که هر جزء آن کامل‌کننده سایر اجزاء است. این نظام اسلامی ابتدا با تربیت و تزکیه افراد شروع می‌شود و تا زمینه نزول احکام و تعلیم و تبیین برنامه‌هایش فراهم شود و آنگاه متناسب با بسترهای مکانی و زمانی قوانین خود را وضع می‌کند. ابن جریر طبری در تفسیر آیه ۲۵ سوره حدید که می‌فرماید: ما پیامبران خویش را با براهین روشن و ادله متقن

فرستادیم بعد می فرماید به آنها کتاب و احکام دادیم و در مرحله سوم می فرماید: که به آنها امر کردیم تا به میزان و ترازوی عدالت بر اساس کتاب حکم کنند و در مرحله آخر می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ؛ وَ أَهْنُ رَا نَازِلُ كَرَدِيمِ.» (حدید: ۲۵).  
 ، که نشان قوت و شدت عمل است که از این مرحله منافع مختلفی می توان کسب کرد یا به قول مشهور «أَخِرُ الدَّوَاءِ الْكَيُّ» (سید رضی، ۱۳۸۴ ش، خطبه ۱۶۸). بر همین اساس شریعت اسلامی تمایل چندانی در اجرای حدود و تطبیق مجازات ندارد و آنچه از قرآن و روایات فهمیده می شود، اجرای مجازات آخرین راه حل مشکل می باشد که البته این گفته مستلزم این است که در شریعت تمام تلاش بر این صورت می گیرد که زمینه فساد در جامعه برچیده شود تا کار به اجرای مجازات نرسد. بر همین اساس قوانین کیفری در مکان و محیطی بدون قید و شرط قابل اجرا نیست بلکه مجرمین در محیطی محکوم به حدود الهی هستند که آن محیط کاملاً الهی و اسلامی بوده باشد. دکتر وهبه الزحیلی در کتاب «الفقه الاسلامی و ادلته» برای اجرای حدود شرایطی را بیان می کنند که عبارتند از:

«- ایمان به شریعت و برنامه اسلام

- تطبیق شریعت الهی در همه احکام از جمله مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی.

- درک عقلی و تجربی از فواید اجرای حدود.

- ترجیح مصلحت اجتماعی بر مصلحت فرد.» (الزحیلی، ۱۳۸۲ ش، ص ۵۲۱).

قرآن در باب قصاص به عنوان یکی از موارد اعدام می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى... فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ...؛ ای اهل ایمان، درمورد کشته شدگان بر شما قصاص مقرر و لازم شده... پس کسی که از سوی برادرش مورد چیزی از عفو قرار گرفت پس پیروی از روش شایسته و پسندیده...» (بقره: ۱۷۸).  
 آیه شریفه با خطاب به مؤمنان شروع می شود. یعنی صریحاً خطابه به یک جامعه مؤمنانه می باشد. حتی نسبت قاتل و مقتول را به لفظ «أخیه» یعنی برادر بیان می کند. بر اساس این اصل که «إنما المؤمنون إخوة...» (حجرات: ۱۰) همچنین مسأله قصاص جانی در آیه شریفه یک امر تعیینی لا یتغیر نمی باشد بلکه دین اسلام ولی مقتول با مجنی علیه را مخیر فرموده که قصاص کند یا جانی را عفو و از طرفی دیگر افراد را تشویق می کند که به جای اجرای قصاص، مقدار معینی جریمه مالی از مرتکب جرم یا اولیای او بپذیرد.

و در آیه دیگر می فرماید: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ؛ کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن، و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست. خداوند ظالمان را دوست ندارد.» (شوری: ۴۰).  
 از این آیه شریفه می توان الهام گرفت که: اولاً طرح عفو و گذشت برای این است که در قصاص و کیفر احتمال تجاوز وجود دارد و چه بسا انتقام گیرنده نتواند خود را کنترل کند و در صف ظالمان قرار گیرد؛ ثانیاً، گذشتی که صاحب حق از خود نشان می دهد، اگر موجب انسجام جامعه، کاستی کینه ها و افزایش محبت ها و جلوگیری از انتقام جویی ها و در یک کلام، موجب آرامش اجتماعی گردد، خداوند پاداش او را از فضل بی پایان خود عطا خواهد کرد؛ ثالثاً، کسی شایسته عفو است که از گذشته مجرمانه اش پشیمان باشد و در مقام اصلاح خود برآید؛ به بیان دیگر، کیفر و انتقام و مقابله به مثل، اختصاص به ستمگرانی دارد که بر ارتکاب جرم اصرار بورزند؛ به تعبیر روشن تر، کیفر و عفو هر کدام در جای مناسب خود باید اعمال گردد. عفو در مواردی است که صاحب حق، قدرت بر انتقام دارد و گذشت او بزرگووارانه و خیر خواهانه است نه از موضع ضعف و ناتوانی. این نوع گذشت سازنده است، ظالم را به اصلاح و می دارد و مظلوم نیز با تسلط بر هوای نفس به تعالی روحی می رسد.

اسلام قانون قصاص را به گونه ای تشریح کرده است که اگر به خوبی اجرا شود، امنیت فردی و اجتماعی تأمین می شود. با اجرای قصاص احساسات جریحه دار شده جامعه التیام می یابد و آلام روحی اولیای مقتول نیز تا حدودی تسکین پیدا می کند.

در زمانی که قصاص حق غیر قابل اسقاط تلقی می شد و اگر اولیای مجنی علیه از انتقام گرفتن خودداری می کردند، مورد نکوهش و تحقیر دیگران قرار می گرفتند و اکثریت می کوشیدند آنان را به شیوه های مختلف به انتقام گیری و قصاص های ناعادلانه ترغیب نمایند، اسلام رویکرد جدیدی را فراروی بشر قرار داد و بر عکس نگرش های افراطی و تفریطی، گذشت و احسان را به عنوان ارزش مطرح ساخت.

اما در سال های اخیر نیز جنبش های مدنی شروع به کار کرده اند که با ترویج مبانی اخلاقی اسلام و در رأس آنها عفو و بخشش، در پی تشویق خانواده های مقتول در جهت عفو قاتل می باشند که البته بسیاری از این فعالان قابل مقایسه با جریان های سیاسی چون نهضت آزادی نیستند که با احکام اسلام عناد داشته باشند بلکه صرفاً از روی حس انسان دوستی دست به این کار می زنند. اخیراً جشنی با نام جشن ملی بخشش برگزار گردید که همین هدف را دنبال می کند. اما مروجین این تفکر ها نکاتی را در رابطه با اهمیت و ضرورت اجرای حکم قصاص (به خصوص وجه کار کردی) نادیده می انگارند. در واقع همانطور که باید اذعان داشت که ابتدا به ساکن، یقیناً عفو و بخشش نسبت به حقوق ضایع شده خویشان یکی از عالی ترین مقامات و فضیلت های انسانی به شمار می آید که در اخلاق اسلامی بسیار بدان اشاره رفته است.

در فرازی از نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر در زمینه عفو یادآوری می شود: «مهربانی، خوش رفتاری و نیکونی با رغبت را در دل خود جای بده، و مبدا نسبت به ایشان همچون جانور درنده ای باشی و خورد نشان را غنیمت بدانی که آنان دو گروه اند؛ یا با تو برادر دینی اند و یا آنکه در آفرینش مانند تو هستند، گاهی لغزش از آنان پیشی می گیرد و پد کاری به آنان روی می آورد و عمداً یا سهواً گناهی از آنان صادر می شود. پس تو با بخشش و گذشت خود آنان را عفو کن همانطور که دوست می داری خداوند با بخشش و گذشتن تو را مورد عفو قرار دهد.» (سید رضی، ۱۳۸۴ش، نامه ۵۳).

این قبیل روایت به حد تواتر در سایر روایات آمده است و اخلاق اسلامی تلاش دارد که تا حد ممکن افراد جامعه را از بعد اخلاقی و عاطفی به یکدیگر پیوند بزند و بدین ترتیب از به وجود آمدن بسیاری از ناهنجاری ها و اضطراب های اجتماعی ممانعت به عمل آید.

اما این همه توصیه در شرایطی مطرح می شود که انسان ها از یک سو در حال تعدی به حقوق یکدیگر باشند. و از سوی دیگر عده ای در پی به خطر انداختن امنیت سایرین در جهت حفظ منافع خود و با انتقام جویی از دیگران باشند.

اما در هنگامه خارج شدن اوضاع از روال طبیعی خود و به وجود آمدن ناهنجاری ها، همه قوانین و از جمله احکام مدنی اسلام در پی آن هستند که زمینه به وجود آمدن مجدد ناهنجاری ها را با ایجاد مکانیزم های سخت از بین ببرند.

جالب اینجاست که حکم قصاص از ابتدای تشریح آن، از سوی اسلام جهت جلوگیری از انتقام جویی ها بوده است و در کتاب تفسیر نمونه، نویسنده در ذیل آیه ۱۷۹ بقره که فلسفه قصاص را بیان می نماید، می نویسد: «عادت عرب جاهلی بر این بود که اگر کسی از قبیله آنها کشته می شد تصمیم می گرفتند تا آنجا که قدرت دارند از قبیله قاتل بکشند، و این فکر تا آنجا پیش



رفته بود که حاضر بودند به خاطر کشته شدن یک فرد تمام طایفه قاتل را نابود کنند آیه فوق نازل شد و حکم عادلانه قصاص را بیان کرد» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۳۰۹).

نکته دیگری که از دید بسیاری نادیده گرفته می شود و در فصل اول این نوشته، در مبحث چهارم ذکر کردیم از این قرار است که احکام اسلام بیشترین میزان کرامت را برای انسان ها در نظر گرفته است و برای اجرای قصاص نیز شرایط بسیار سختی را قائل شده که از جمله آنها که بیان شد عبارتند از:

تساوی در موقعیت اجتماعی، تساوی در جنسیت، تساوی در دین، انتفای رابطه پدر و فرزندی، بلوغ قائل، عاقل بودن قاتل، مست نبودن قاتل، بی هوشی و نابینایی، مهدورالدم نبودن مقتول.

اما سؤالی که در دید بسیاری بی پاسخ می ماند از این قرار است که در مرحله انتخاب میان بخشش یا قصاص باید کدام یک را برگزید؟

علامه طباطبایی (ره) در پاسخ به این سؤال در تفسیر شریف المیزان می فرماید:

«در پاسخ می گوئیم بله و لکن هر رأفت و رحمتی پسندیده و صلاح نیست و هر ترحمی فضیلت شمرده نمی شود چون بکار بردن رأفت و رحمت، در مورد جانی قسی القلب، (که کشتن مردم برایش چون آب خوردن است)، و نیز ترحم بر نافرمانبر متخلف و قانون شکن که بر جان و مال و عرض مردم تجاوز می کند، ستمکاری بر افراد صالح است و اگر بخواهیم بطور مطلق و بدون هیچ ملاحظه و قید و شرطی، رحمت را بکار بندیم، اختلال نظام لازم می آید و انسانیت در پرتگاه هلاکت قرار گرفته، فضائل انسانی تباه می شود.» (طباطبائی، ۱۳۹۱ش، ج ۴، ص ۵۶).

و در ادامه پاسخ به این شبهات باید گفت: آیا حذف قصاص موجب کاهش جرائمی نظیر قتل می شود؟

زمانی بعد کار کردی احکام قصاص بیشتر قابل درک است که به نتایج و عواقب حذف این حکم در سایر

کشورها توجه شود. برای نمونه در کشور آمریکا که حکمی مشابه حکم قصاص وجود ندارد نه تنها آمار قتل کاهش پیدا نکرده است بلکه به گزارش روزنامه «وال استریت ژورنال»، آمار و ارقام جدیدی که توسط دولت آمریکا منتشر شده است، نشان می دهد که تنها در دهه نخست قرن ۲۱ از سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ دست کم ۱۹۹ هزار نفر در ایالت های مختلف آمریکا کشته شده اند. جالب اینکه این آمار شامل تعداد افراد به قتل رسیده در ایالت فلوریدا نمی شود. علاوه بر این به گزارش پایگاه خبری سازمان ملل، دفتر امور جرم و مواد مخدر در سازمان ملل (UNODC) در گزارشی جدید اعلام کرد که بیش از ۳۷ هزار نفر در سال ۲۰۱۲ در دنیا در نتیجه جرائم منجر به قتل کشته شده اند که بیشترین میزان آن ابتدا در آمریکا، سپس در آفریقا و کمترین میزان نیز در اروپا و آسیا و اقیانوسیه بوده است. (خبرگزاری دانشجویان ایرانی «ایسنا»، ۲۴ فروردین ۹۳، به آدرس: <http://www.isna.ir/news/93012408738>). همچنین روزنامه نیویورک تایمز گزارش داده است که، آمار قتل در شیکاگو در سال ۲۰۱۲ تا ۳۸ درصد افزایش یافته است.

#### ۴. برتری حق قصاص بر مجازاتهای جایگزین اعدام و زندان

همانطور که در فصل های گذشته بیان کردیم، در عصر کنونی گاه بد فهمی از حق قصاص و تأمل نکردن وبی دقتی و گاه کمی بضاعت علمی در حقیقت و احکام آن و گاه خلط میان اعدام و حق قصاص موجب شده تا شبهاتی در مورد این حق عقلایی و حیات بخش انسانی والهی پدید آید و زندان و اعدام را بر قصاص ترجیح دهند لذا در این فصل کوشش شده تا برتری حق

قصاص بر زندان و اعدام را ثابت کنیم؛ لیکن ابتدا باید به خصوصیات حق قصاص و در ادامه به نقد ادعاهای سازمان عفو بین الملل در خصوص حذف قصاص (اعدام) می پردازیم و همچنین ممیزات حق قصاص در مقابل اعدام زندان بیان می کنیم.

#### ۴-۱. ویژگی های حق قصاص

##### ۴-۱-۱. دادن حق قصاص به خانواده مقتول

حق قصاص به خانواده مقتول داده شده است؛ (اسراء: ۳۳): «...وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا...؛ و هر کس مظلوم کشته شود، به سر پرست وی قدرتی داده ایم...» و هیچ دادگاهی بدون درخواست خانواده مقتول نمی تواند تصمیم به اعدام و یا رهایی قاتل از مرگ بگیرد. بدین ترتیب وضعیت داغ دیدگان و حال و روز آنان در این حق در نظر گرفته شده است. نمی توان همیشه و بدون استثنا، بازماندگان کسی را که به شکل غیرانسانی، شقاوت آمیز و مظلومانه کشته می شود، به صبر و فروخفتن احساساتشان توصیه کرد. همین که قانون، حقی را برای بازماندگان نسبت به مجازات جانی، قاتل می شود، آنان حس خواهند کرد که به شرایط و حقوق آنها توجه شده و داغ آنها ملاحظه شده است. این موضوع موجب می شود احتمال اقدامات تلافی جویانه و آسیب های روانی وحشتناک ناشی از سرخوردگی در برابر ظلم وارده به آنان و جامعه، کاهش یابد.

##### ۴-۱-۲. عدم اجرای قطعی اعدام در حق قصاص

مجازات قصاص، قطعی نیست و خانواده مقتول می توانند قاتل را ببخشند و این امکان، بستری برای شکل گیری بزرگ ترین جلوه های انسانی را فراهم می کند. در چنین فضایی در بسیاری از موارد، قاتل پس از ابراز پشیمانی در برابر خانواده مقتول، مورد عفو قرار می گیرد و با خضوع و سپاس از احسان و عفو بزرگ آنان، کریمانه به جامعه باز می گردد و البته گاه خانواده مقتول نمی توانند با خود کنار بیایند و از حق طبیعی، عادلانه و قانونی خود استفاده می کنند و قاتل کشته می شود. اما به هر حال احتمال عفو و اصلاح، در حق قصاص، بسیار قابل توجه است.

##### ۴-۱-۳. اخذ دیه در حق قصاص

امکان اخذ دیه از دیگر امتیازات حق قصاص در اسلام است. دیه اگرچه نمی تواند از آسیب های عاطفی و انسانی ناشی از جنایت بکاهد، لیکن می تواند آسیب های اقتصادی ناشی از آن را تا حدودی ترمیم کند.

علاوه امکان اخذ دیه، گاه می تواند به عفو از قصاص و بازگشت بزهکار به جامعه کمک کند.

##### ۴-۱-۴. قصاص و حفظ حیات

قرآن کریم بر نقش تاثیرگذار قصاص در حفظ حیات جامعه تاکید می کند و گویا مخاطبان خویش را به این نکته تنبیه می دهد که گاهی کشتن مهاجم در مقام دفاع از حیات جامعه، مانند کشتن او در مقام دفاع از حیات فرد، لازم است و قصاص شخص جنایتکار، دفاع از حیات جامعه است. خداوند متعال می فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد شاید تقوا پیشه کنید.» (سوره بقره: ۱۷۹)

امام زین العابدین (ع) در تفسیر این آیه شریفه در روایت ذیل به نقش حیات بخش قانون قصاص برای گروه های مختلفی از جامعه، اشاره فرموده است: نخست کسانی که انگیزه جنایت بر دیگران را دارند و از ترس اجرای این قانون از اقدام به جنایت خودداری می کنند و حیات معنوی و مادی خود آنها آسیب نمی بیند. دوم، کسانی که جانیشان در نهایت، از سوی گروه اول مورد تهدید است و با پرهیز گروه اول از ارتکاب جنایت، آنان نیز جان سالم به در خواهند برد. سوم، آحاد جامعه هستند که با

وجود این قانون، انگیزه جنایت در آنان یا حداقل در برخی از آنان از اول شکل نخواهد گرفت و همین امر، موجب بقای حیات آنها و دیگران خواهد بود. ایشان می فرمایند: «وَلَكُمْ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ؛ لِأَنَّ مَنْ هَمَّ بِالْقَتْلِ فَعَرَفَ أَنَّهُ يُقْتَصُّ مِنْهُ فَكَفَّ لِذَلِكَ عَنِ الْقَتْلِ كَانَ حَيَاةً لِلَّذِي هَمَّ بِقَتْلِهِ وَ حَيَاةً لِهَذَا الْجَافِي (الْجَانِي) الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ وَ حَيَاةً لِغَيْرِهِمَا مِنَ النَّاسِ إِذَا عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ لَا يُجَسَّرُونَ عَلَى الْقَتْلِ مَخَافَةَ الْقِصَاصِ؛ وَ بَرَى شَمَا أَى امْتِ مُحَمَّدٍ (ص) دَر حَقِّ قِصَاصِ، حَيَاتِ اسْت؛ زِيْرَا كَسَى كَه مَى خَوَاهِد قَتْلِ رَا مَرْتَكَب شُوْد وَ قَتِي بَدَانْد كَه قِصَاصِ مَى شُوْد؛ خَوِيْشْتَن دَارِي مَى كَنْد وَ بَه اَيْن قَتْل، اَقْدَام نَمِي كَنْد وَ اَيْن (اَوَّلًا) مَوْجِب حَيَاتِ اسْت بَرَاي كَسَى كَه اِهْتِمَام بَه قَتْل اَوْ كَرْدَه بُوْد وَ (ثَانِيًا) مَوْجِب حَيَاتِ بَرَاي كَسَى اسْت كَه مَى خَوَاسْت مَرْتَكَب قَتْل شُوْد وَ مَنصَرَف كَرْدِيْد وَ (ثَالِثًا) مَوْجِب حَيَاتِ اسْت بَرَاي غَيْرِ اَيْنِ دُوْ اَز مَرْدَم كَه وَ قَتِي حَكْم قِصَاصِ رَا بَدَانْد (نَوْعًا) اَز تَرَس قِصَاصِ، جَرَاْت وَ جَسَارَت بَر قَتْل نَمِي يَابَنْد.» (طَبْرَسِي، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۱۹)

#### ۴-۱-۵. قصاص و حق بزه دیده

هر جنایت حداقل سه طرف دارد که قانون با توجه به آنها باید وضع شود. این سه طرف عبارتند از: بزه‌کار، بزه دیده و جامعه، به نظر می‌رسد نگاه مخالفان قصاص، ناشی از تمرکز بر وضعیت بزه‌کار و غفلت از موقعیت بزه دیده و جامعه است. تردیدی نیست که در بسیاری از موارد با وقوع یک جنایت ظالمانه، مجنی علیه در صورت زنده ماندن و بستگان و دوستان وی متألم و متأثر می‌شوند و حس طبیعی و انسانی مجازات مجرم در آنان زنده می‌گردد. مردم حس می‌کنند که مجرم باید مجازات و تنبیه شود و اگر احساس کنند که مجازات در نظر گرفته شده در قانون برای شخص بزه‌کار، کم و نامتناسب است، علاوه بر اینکه اعتماد به قانون از دست می‌رود این امر می‌تواند موجب کاهش آرامش روانی و گناه دست زدن آنان به انتقام شخصی و هرج و مرج در جامعه شود.

همین وضعیت در سطح دیگری نیز قابل تصور است. جامعه از وقوع یک جنایت، متأثر می‌شود و گناه اجرا نشدن مجازاتی مناسب با یک جرم بسیار وحشیانه، علاوه بر کاهش بازدارندگی قوانین، موجب تلقی بی‌عدالتی در عموم جامعه می‌گردد. این وضعیت مطلوب مجرم است و می‌تواند موجب افزایش تمایل به جرم شود.

باید توجه داشت که توجه عاطفی و جانبدارانه نسبت به مجرم و غفلت از حقوق بزه‌دیدگان و سایر افراد

جامعه و بی‌توجهی، نقش تاثیرگذار مجازات‌ها را در اجتماع کم‌رنگ می‌کند.

یکی از ویژگی‌های حق قصاص این است که با سپردن حق بخشش یا قصاص جانی به خانواده بزه‌دیده و تاکید بر عفو و بخشش قاتل، به تناسب وضعیت روحی و تألمات آنان عمل می‌نماید. امیرالمؤمنین (ع) در روایتی به اهمیت و اولویت اصل «عدالت» در اداره جامعه که ضامن مصلحت همگان است تاکید می‌کنند. و در پاسخ به این پرسش که به عنوان یک اصل اولی و حاکم، آیا عدالت برتر است یا بخشش؟ می‌فرمایند:

الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يَخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا. وَ الْعَدْلُ سَاءٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ. فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا؛ عَدَالَتِ اُمُورِ رَا دَر جَاي خُود قَرَارِ مَى دَهْد وَ (چنانچه بنا باشد) بَخْشِش (اصل اولی و حاکم بر عدالت و ناقض آن باشد) اَنهَآ رَا اَز جَاي خُود خَارِجِ مَى كَنْد. عَدَالَتِ تَدْبِيْرِ وَ قَانُونِي عَمُومِي اسْت وَ بَخْشِش، پَدِيْدَه اِي عَارِضِي وَ خَاصِ اسْت. پَس اَز مِيَاْن اَيْنِ دُو، عَدَالَتِ بَرْتَرِ وَ اَرْزَشْمَنْدْتَرِ اسْت.» (سَيِّدِ رِضِيِّ، ۱۳۸۵ش، کلمات ۴۹۵، ص ۴۲۹) دَر اَيْنِ رَوَايَتِ شَرِيْفِ، بَه عَدَالَتِ دَر عَرَصَه اِجْتِمَاعِي بَه عَنَوَانِ يَكِ اَصْلِ اَوْلِي، اَوْلِيْتِ دَاْدَه شُدَه اسْت.

مزیت دیگری که در سپردن این حق به خانواده مقتول وجود دارد، در نظر گرفته شدن شرایط وقوع جرم است. توضیح اینکه مجرمان و جانیان از نظر انگیزه، شرایط روانی، تربیتی و فرهنگی متفاوتند. به همین سبب گاهی در میان آنان کسانی یافت می شوند که با توجه به همه عوامل تاثیرگذار درونی و بیرونی و نوع و کیفیت جنایت واقع شده، عموم انسان ها، هیچگونه احساس ترحم و دلسوزی در تخفیف شدیدترین مجازات ها نسبت به آنها ندارند؛ بلکه گاهی عموم مردم در مورد کسانی که مرتکب کشتارهای جمعی و جنایات فجیع شده اند بر این باورند که اعدام یا قصاص آنها تنها می تواند مجازات بخش کوچکی از جنایات آنها باشد. نکته اینجاست که بی رحمانه بودن و نبودن جنایت، شرایط روحی قاتل، انگیزه قتل و مانند آن نوعا برای تصمیم نسبت به عفو، از سوی خانواده مقتول و تصمیم گیری آنان نسبت به تامل، ملاحظه می گردد؛ علاوه بر این که تحمل و ظرفیت بزه دیده و صاحب حق، رعایت می شود و روشن است که بر فرض تراحم میان حق بزه دیده و لطف بر بزهکار باید حق بزه دیده مقدم شود.

#### ۴-۲. مقایسه حق قصاص با مجازات های جایگزین

حذف قصاص از نظر هیچ کشوری به معنای حذف مجازات نیست، بلکه بدون استثناء، جایگزینی برای آن در نظر می گیرند. در این بخش، به مقایسه مجازات های جایگزین شده قصاص در حقوق کیفری جهان امروز می پردازیم تا از این رهگذر، دقتها و تعالی مجازات اسلامی قصاص بیش تر روشن شود. مجازات های شایع و معمول برای جنایت قتل، به جای قصاص، عبارت است از: اعدام و زندان هایی که ابد و یا طولانی مدت است. این دو مورد را در دو بخش با حق قصاص، مقایسه می کنیم:

#### ۴-۲-۱. تفاوت اعدام با حق قصاص

#### ۴-۲-۱-۱. بازگشت بزهکار به جامعه

بر اساس قانون اعدام (منظور اعدام قطعی است که شخص بطور قطعی اعدام می شود و ولی دم هم هیچ حقی در مجازات جانی ندارند)، بازگشت بزهکار به جامعه پس از تحقق جنایت، ناممکن است، جانی پس از اقدام به قتل می داند که مجازات اعدام، مجازات قطعی اوست و برای برون رفت از این مجازات حتی به صورت احتمالی، راهی ندارد. از سوی دیگر وی می داند که با انجام هر جنایت دیگری، وضعیت او تغییر نخواهد کرد و اشد مجازات (اعدام) در کمین اوست؛ لذا پس از قتل اول، در بسیاری از موارد علی رغم عذاب وجدانی که پس از جنایت اول پدید آمده است، انگیزه ای برای بازگشت به جامعه و فضای انسانی ندارد و حتی ممکن است برای فرار از مجازات و یا با انگیزه های دیگر، دست به جنایات و قتل های بیش تری بزند و بر تنفر وی از افراد و جامعه افزوده شود و ناامنی و جنایت تشدید گردد. قبل از ورود به این بحث باید توجه داشت که موضوع مورد نقد ما در اینجا مجازات «اعدام» در قوانین عرفی و بشری به جای «حق قصاص» در اسلام است نه نقد سایر اعدام ها در قوانین عرفی و بشری، اگرچه سایر اعدام هایی که در قوانین غیر اسلامی کشورهای غربی و غیر غربی وجود دارد نیز قابل نقد و چالش جدی است؛ اما جایگاه اصلی طرح آن در این کتاب نیست و می بایست در کتاب حدود به آن پرداخته شود و احکام و تفاوت ها و مزایای بی بدیل و حکیمانه و عقلانی حدود به جای این اعدام ها به شکل مبسوط بیان گردد. (همانگور که پیشتر بیان شد، جرم های سنگینی که اسلام برای آنها اعدام حدی، قرار داده است با اعدام سایر نظام های حقوقی دنیا، از لحاظ کمی و کیفی متفاوت است. احکام اعدام حدی در اسلام بر خلاف سایر نظام های حقوقی دنیا، بسیار محدود و دارای شرایط سخت اثبات است. و در همین مقدار بسیار کم از امکان بخشش بسیار و راهکار های برگشت و اصلاح مجرم برخوردار است. برای ملاحظه بیشتر این بحث ر.ک: ویژگی حق قصاص) اما برخلاف قانون اعدام و مطابق قانون قصاص، جانی پس از اقدام به قتل و عذاب وجدان در پی آن، امید به بخشش از سوی اولیای دم دارد و همین امر می تواند از تقابل و تنفر او نسبت به افراد و جامعه بکاهد و مانع برانگیخته شدن حس انتقام از دیگران و جنایت های بعدی در او شود؛ علاوه بر اینکه وی می داند به هر مقدار بر جنایاتش

افزوده شود، احتمال بخشش در صاحبان حق قصاص کاهش می یابد و لذا نوعاً دست به جنایت های بعدی نخواهد زد. پس از دستگیری اگر جانی مطابق توصیه های اکید اسلام، مورد عفو قرار گیرد، همگان از حیات مادی و معنوی ناشی از حق قصاص، منتفع می شوند و چنانچه مورد بخشش قرار نگیرد و قصاص شود، دیگران و جامعه، قبل و بعد از اجرای قصاص در ناامنی و آسیب کم تری از سوی جانی بالفعل و جانیان بالقوه قرار می گیرند و این نیز توسعه ای دیگر در حیات است که ناشی از حق قصاص است. آیه شریفه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۹) می تواند اشاره ای بر این امر حیاتی باشد.

#### ۴-۲-۱. پذیرش عفو شده از سوی جامعه

با توجه به اینکه در قانون قصاص، حق عفو برای صاحب حق قصاص وجود دارد، هنگامی که بزهکار، مورد عفو بزه دیده یا اولیای دم قرار می گیرد و به جامعه بر می گردد، فضای عفو می تواند روابط بین اطراف دعوا و وابستگان آنان (خانواده مقتول) را تلطیف کند و مانع از ایجاد حقد و کینه و آتش انتقام، بلکه مانع تحقیرشدن بزهکار در جامعه شود؛ زیرا همه حس می کنند مجرم، تا پرتگاه مرگ رفته است و هنگامی که از سوی صاحبان این حق، مورد عفو قرار گرفته است، دیگران آسان تر باید بتوانند او را در میان خود بپذیرند و وی را ببخشند. شاید واژه «حیاء»، و عبارت «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» در کلام زیبای حضرت حق که فرمود: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۹) اشاره ای حکیمانه به این امر نیز باشد.

#### ۴-۲-۳. تنش های روانی بازماندگان مقتول

از آنجا که در قانون قصاص، مجنی علیه و اولیای دم تصمیم گیرنده اصلی و سرنوشت ساز در امر قصاص هستند، اگر جانی قصاص شود، با اراده آنان این امر محقق شده است و لذا موجب تشفی خاطر بیشتری در آنها و خاموش شدن حس انتقام و بغض آنان خواهد بود و چنانچه آنان بزهکار را مورد عفو و رحمت قرار دهند، احساس رضایت و عمل کریمانه، آثار جنایت را به مقدار زیادی در روح و روان بزه دیده و وابستگان وی کاهش می دهد، در حالی که ممکن است در مجازات اعدام، خانواده مقتول، هنوز حق انتقام از خانواده جانی را برای خود محفوظ بدانند.

#### ۴-۲-۴. تأثیرات عفو بر بزهکار

عفو از سوی بزه دیده یا اولیای دم، موجب شرمندگی و اصلاح بزهکار خواهد بود و بسیار بعید است که وی برای بار دیگر دست به قتل بزند، زیرا مدتی را در آستانه مرگ گذراندن، تذکر و تنبیه بزرگی است؛ به ویژه اینکه او به شکل عقلایی می داند که ارتکاب جنایت عمدی دیگری پس از این عفو، احتمال بخشش را از سوی صاحب حق به شدت کاهش می دهد، لذا خویشتن داری بیشتری می کند و آرامش و امنیت در جامعه و فرد گسترده تر و پایدار تر خواهد بود.

#### ۴-۲-۵. آثار ناخواسته اعدام قطعی

در قانون اعدام، جایی برای اختیار اولیای دم و مجنی علیه وجود ندارد و قاتل در هر صورت با رأی دادگاه اعدام می شود. این اعدام گاه نه تنها توان جبران جنایت و آثار سوء عمل جانی را ندارد، بلکه آسیب بیش تری را بر مجنی علیه و اطرافیان او و جامعه تحمیل می کند. برای مثال اگر قاتل و مقتول از یک خانواده باشند و یا از لحاظ عاطفی، اجتماعی و مانند آن بسیار به هم نزدیک و وابسته باشند؛ نظیر آنکه برادری در عصبانیت لحظه ای، برادر خود را به قتل برساند و یا زنی، همسر خود را در این صورت، اگر بزهکار به شدت پشیمان و مورد علاقه و محبت خانواده بزه دیده باشد و یا به هر دلیل دیگری نخواهند اعدام شود راهی وجود ندارد و در این صورت، نه تنها اعدام بزهکار، مشکلی را حل نمی کند، بلکه این امر، خانواده بزه دیده را دچار رنج مضاعف عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن می کند. با اعدام جانی گاه فرزندان مجنی علیه علاوه بر از دست دادن پدر، از نعمت مادر نیز محروم می شوند و با والدین مقتول، فرزند دوم خود را نیز از دست می دهند. بر خلاف حکم عادلانه، حکیمانه

و رحیمانه قصاص که تصمیم در این امر به بزه دیده و اولیای دم (یعنی کسانی که نوعاً بیشترین آسیب را از جنایت دیده اند) سپرده شده و حضرت حق (جَلَّ جَلَالُهُ) امکان عفو از سوی آسیب دیدگان را در آن قرار داده است: «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ آدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ؛ پس کسی از سوی برادر دینی اش مورد چیزی از عفو قرار گرفت، پس پیروی از روش شایسته و پسندیده و پرداخت دیه با نیکویی و خوش رویی بر عهده قاتل است. (بقره: ۱۷۸)

#### ۴-۲-۲. مقایسه آثار زندان با حق قصاص

دنیای غرب، زندان های طولانی مدت، ابد و گاه همراه با اعمال شاقه را به عنوان بخش اصلی مجازات های کیفری توصیه و به شدت بر آن پافشاری می کند. (قانون مجازات فرانسه، ماده ۲۲۱، بند ۳: «قتل ارتكابی همراه با سبق تصمیم قتل عمد به شمار می آید و مستوجب حبس دایم با اعمال شاقه است.»)

می خواهیم نشان دهیم حق قصاص در مقایسه با زندان (که البته معمولاً در جرم های مشابه، مدت آن بسیار طولانی یا ابد می باشد) دارای آسیب کمتری است، بلکه زندان دارای آثار وحشتناکی است که در بسیاری از موارد غیر قابل جبران است. این نکته کلیدی را نیز نباید فراموش کرد که اگر بازدارنده تر بودن قصاص را بپذیریم، با قصاص یک انسان، احتمال آنکه چندین انسان به زندان ابد دچار نشوند، بسیار قابل توجه است. بنابراین در حقیقت باید آثار قصاص یک نفر را با آثار زندان ابد چندین انسان مقایسه کنید (یک به چند)، هر چند در اینجا آثار زندان و قصاص را تنها در حالت یک به یک مقایسه کرده ایم.

همچنین باید توجه داشت بسیاری از نکاتی که در بخش تفاوت های اعدام، با حق قصاص گذشت و برتری های حق قصاص نسبت به اعدام را روشن کرد، برای مقایسه «حق قصاص» با «زندان» و نشان دادن برتری های این حق، نسبت به زندان نیز قابل توجه و کاراست؛ لکن از ذکر آنها در این بخش (تفاوت های «زندان» با «حق قصاص») پرهیز می شود و فقط به نکات جدید و اضافه بر آن پرداخته خواهد شد.

تفاوت آثار و تبعات مجازات زندان با آثار و تبعات حق قصاص و مزایای حق قصاص بر زندان را در چند بند بررسی می کنیم.

#### ۴-۲-۲-۱. تبعات زندان برای خانواده زندانی

زندان، مجازاتی به شدت، غیر شخصی است. این مجازات علاوه بر بزهکار، در بسیاری از موارد، نزدیکان و خانواده وی را نیز به شکل غیرانسانی، تحت فشار قرار می دهد. ظاهراً بر همین اساس است که زندان در نظام کیفری اسلام از امور نادر و استثنایی است و لذا باید مراقب بود که حتی در تعزیرات، این مجازات به شکل نادر و استثنایی مورد استفاده قرار گیرد، نه به شکل گسترده و فراوان و نه به عنوان یک مجازات پایه و اساسی در نوع تخلفات، آن چنان که در دنیای غرب بر آن تاکید و اصرار می شود.

از جمله فشارها و مجازات های غیر شخصی و غیرانسانی در مجازات زندان آن است که این مجازات در بسیاری از موارد برای مدت بسیار طولانی، همسر جانی را از شوهر، محروم می نماید و وی را مجبور می کند تا تمام یا بیش تر جوانی و عمر خود را در محرومیت عاطفی و به دور از مواهب و حمایت های همسر به سر برد. چنانچه زن بخواهد از شوهر قاتل خود جدا شود تا همسر دیگری اختیار کند تحت عذاب وجدان و فشارهای احتمالی خانواده و جامعه قرار می گیرد و باید اتهام خودخواهی، بی وفایی و مانند آن را به دوش کشد و چنانچه بخواهد به همین نحو ادامه دهد، با فشارهای عاطفی، روحی، اجتماعی، اقتصادی و شرمندگی از جانی و زندانی بودن همسر مواجه است؛ بدون آنکه در بسیاری از موارد، نقشی در قتل و جنایت او داشته باشد. (مزروعی، ۱۳۹۲، ص ۶۹)

در حق قصاص اگر بزهکار بخشیده شود، بخشش وی آسیبی به دیگران وارد نمی کند، بلکه پدر را به فرزندان و فرزند را به والدین و همسر را به همسر باز می گرداند و همه اینها با عفو و رحمت و تکریم، همراه است نه با ذلت و حقارت و تحقیر. و چنان چه قصاص اجرا شود، آسیب هایش بسیار کم تر و غیر قابل قیاس با آسیب های زندان طولانی بر اطرافیان خواهد بود. حداکثر آن است که فرزندان جانی، پدر از دست داده اند که البته این هم آسیب کمی نیست اما مقایسه نسبی مورد نظر است. در گذر زمان اصل جریان و انتساب آنان به جنایت و جنایتکار به فراموشی سپرده می شود؛ نه اینکه فرزندان در هر لحظه، پدری داشته باشند که به قتل و جنایت، متصف است و محروم از پاسخ به نیازهای اولیه انسانی و حتی حیوانی در گوشه ای از زندان، ذلیلانه و حقیرانه در حال پوسیدن باشد؛ همسرش با گذشت زمان و یا با مهاجرت و نقل مکان، می تواند ازدواج کند و زندگی دوباره ای را آغاز کند و پس از مدتی همه رنج ها و حقارت ها به بوته فراموشی سپرده شود. وضع برای سایر وابستگان وی نیز مشابه همین خواهد بود.

زندان حتی امکان و فرصت فراموشی و خلاص شدن از این رنج و حقارت را در گذر زمان، نیز به اطرافیان نمی دهد.

#### ۴-۲-۲-۲. تاثیرات اخلاقی و روانی زندان بر زندانی

مجازات زندان برای خود جانی نیز مجازاتی غیر انسانی و ظالمانه است. در تمام مدتی که او در زندان به سر می برد، نیازهای انسانی، عاطفی، محبتی و جنسی اش در نظر گرفته نمی شود و به طور مستمر، سرکوب و یا به صورت غیر مشروع و خارج از کارکرد طبیعی ارضا می شود و نوعا موجب آسیب و سقوط بیش تر و دور شدن او از مرزهای انسانی و الهی می گردد.

برخی از آسیب هایی اخلاقی و روانی که زندانی در معرض آن است عبارتند از:

#### الف. تجاوز جنسی در زندان

تجاوزهای جنسی در زندان ها، به عنوان یکی از مشکلات جدی زندان مطرح است. مقصود از تجاوز جنسی، ارتباطات جنسی آگاهانه و مخفیانه زندانیان نمی باشد، بلکه مقصود، تعرض جنسی با خشونت و زور و در غالب موارد با وارد کردن آسیب های جسمی به زندانی است. برای نمونه در کشور آمریکا، در سال ۲۰۰۳ تحقیقی انجام شد که موجب شد از سال ۲۰۰۴ تاکنون آمارهای مربوط به تجاوز جنسی در زندان های این کشور ثبت و پایش گردد. (اداره آمار دادگستری آمریکا، اسفند ۹۸، از آدرس: [HTTP://WWW.BJS.GOV/INDEX.CFM?TY=PBDETAIL=4842](http://www.bjs.gov/index.cfm?ty=pbdetail&id=4842))

مؤسسه ملی اصلاح آمریکا، وزارت دادگستری آمریکا و اداره آمار دادگستری آمریکا از جمله مراکزی هستند که در این زمینه فعالیت می کنند. تا آنجا که مرکز ملی جلوگیری از تجاوزات جنسی در زندان های آمریکا، به طور تخصصی در این زمینه به ارائه اطلاعات مبادرت می کند. درباره مشکلات جنسی به این نکات توجه شود که ترس و ناامنی از در معرض تعرض بودن و نیز ارتباطات جنسی دوطرفه که جزو تجاوزهای جنسی محسوب نمی شود و از این آمارها خارج می باشد اما درنگاه ما موجب سقوطهای اخلاقی و شاخصه ناسلامتی جنسی است، همگی وضعیت های وحشتناکی است که در زندان های به اصطلاح پیشرفته امروز با وجود همه کنترل ها و توجه ها اتفاق می افتد.

**ب. خودکشی در زندان**

خودکشی زندانیان نیز، یکی دیگر از مشکلات جدی و قابل توجه در زندان هاست که با توجه به اینکه محیط زندان محیطی کنترل شده بوده و هزینه های قابل توجهی برای کاهش تنش های منجر به خودکشی صرف می گردد، نشان از فشارهای روحی قابل توجه بر زندانیان دارد.

در دو کشور برآورد شده قاره اقیانوسیه، حدود یک پنجم مرگ و میرها در زندان، از طریق خودکشی زندانی اتفاق می افتد. در ۱۷ کشور منطقه شمال غرب و جنوب غرب اروپا، حدود یک چهارم مرگ های زندان، در اثر خودکشی اتفاق می افتد. بر اساس متوسط گیری نامتقارن از پنج منطقه دنیا، در هر ۱۰۰ هزار نفر زندانی ۴۳ نفر خودکشی می کنند در حالی که از هر ۱۰۰ هزار انسان در دنیا به طور متوسط ۱۶ نفر خودکشی می نمایند؛ یعنی خودکشی در زندان، تقریباً ۳ برابر بیش تر اتفاق می افتد. در سال ۲۰۱۱، ۵/۵ درصد مرگ ها در زندان های فدرال آمریکا، در اثر خودکشی بوده است و خودکشی، علت ۳۵ درصد از مرگ ها در زندان های محلی برآورد شده است. (اداره آمار دادگستری آمریکا، مدرک رسمی اداره آمار وزارت دادگستری آمریکا با عنوان «Mortality in Local JAILS»، آگوست ۲۰۱۳، ص ۱۹ و ۷)

**ج. قتل در زندان**

در برخی مناطق جهان، آمار قتل های زندان نیز قابل تامل است. در قاره آمریکا حدود یک سوم از مرگ های زندان، حاصل قتل است (دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳، ص ۹۷)

**د. حرفه ای شدن**

آشنا شدن با باندهای جنایت و آموزش حرفه ای جنایت، معتاد شدن و عضویت در این باندها و بارگیری و جنایت از دیگر آسیب های جدی «زندان» است؛ زندانی که امروزه به عنوان مجازات پایه، مورد توجه غرب قرار گرفته است و به شدت بر آن اصرار می ورزد.

شاید گفته شود به هر حال به زندان نیاز داریم و چاره ای جز قبول این مشکلات برای زندان نبوده و تنها کاری که می توانیم انجام دهیم، کاهش صدمات و لطمه های زندان است. سخن اینجاست که وجود برخی از احکام اسلامی (و نه الزاماً اجرای آنها) می تواند با بازدارندگی خود، تعداد زندانیان را کاهش دهد و در برخی موارد و در مورد جرایم سنگین، با اعدام یا بخشش اصلاحی مجرم، سطح زندگی انسانی و اخلاقی را سقوط ندهد؛ به ویژه آنکه اگر در چارچوب الهی و اسلامی به موضوع بنگریم، حق قصاص به نحوی است که در صورت عفو، جانی نوعاً به شکل فطری به مرزهای انسانی و الهی نزدیکتر می شود و با سلامت نسبی بیشتری به جامعه بر می گردد و حتی در صورت عدم عفو و اجرای قصاص، خود را مستحق قصاص می بیند و قبل از اینکه به فضای آلوده و تبعات غیرانسانی زندان بغلطد و فطرتش آسیب بیش تری ببیند، در بسیاری از موارد با توبه و طهارت به جهان آخرت انتقال می یابد و یا حداقل با سقوط و خسارت کم تر انسانی، دنیای کوتاه و فانی را به سوی جهان ابدی و باقی ترک می کند.

**۴-۲-۳. خطرات زندان برای جامعه انسانی**

زندان ها نوعاً موجب ازدیاد تنفر و نفرت بزهکار از دیگران و جامعه می شود و حس انتقام را افزایش می دهد؛ خصوصاً که شخص جنایتکار، به دلیل طولانی بودن زندان و دیدن جنایتکاران دیگر در اطراف خود کم کم قبح و نازیبایی جنایت خود را فراموش می کند و پشیمانی و عذاب وجدان ابتدایی را از دست می دهد سپس احساس می کند که ظالمانه مجازات می شود و به دلیل یک خطا، عمری را باید تاوان پس دهد و تحقیر شود. وی می بیند که تقریباً تمام یا بیشتر عمر خود را باید با



محرومیت، نسبت به بسیاری از نیازهای ابتدایی انسانی و به مانند حیوان یا پست تر از آن، در قفس جنایتکاران بگذرانند. (مزروعی، ۱۳۹۲، ص ۷۷)

له شدن غرور زندانی در برابر قدرت تحقیر کننده زندان، حس کرامت انسان ها را نشانه می گیرد و این یعنی تولید و پرورش انبوه و سیستمی بغض، نفرت، ناامنی و جنایت در بین انسان ها و خطرآفرینی دائمی و افزایش لحظه به لحظه آن در جامعه انسانی که آثار آن، گاه در همین زندان ها و گاه در خارج از زندان در مثل مدارس، خانواده ها و جنگ ها از نوع غربی آن به خوبی خود را نشان می دهد. روشن است کسانی که در این زندان ها پرورش یافته اند می توانند غیرانسانی ترین کارها را به راحتی و با لبخند و به شکل سازمانی؛ حتی نسبت به کودکان و زنان بی گناه در جامعه خود و جامعه جهانی مرتکب شوند.

#### ۴-۲-۲-۴. آسیب های روحی خانواده مقتول

در مواردی که قتل با نقشه قبلی، بی رحمانه و وحشیانه صورت می گیرد، خانواده مقتول، حس می کنند بدون «مجازات به مثل» برای قاتل، راه دیگری نمی تواند موجب عبرت دیگران و داغ دار نشدن خانواده های مشابه گردد و مجازاتی به غیر از مرگ با جرم چنین قابل، تناسب ندارد. عدم تشریف و آرامش خانواده و وابستگی مقتول به دلیل زنده بودن قاتل، بدون همراهی عفو از سوی آنان، تصور خوش بودن قاتل در زندان، ناراحتی از نقش نداشتن آنان در مجازات یا عفو قاتل و یا احساس برنده شدن قاتل به دلیل زنده بودن او و زنده نبودن عزیزشان، از دیگر تبعات آسیب زا و نازیبای زندان و نبودن حق قصاص است. (مزروعی، ۱۳۹۲، ص ۷۷).

امیداست با وجود این توضیحات توانسته باشیم تا حدی ضرورت وجود و اجرای این حکم الهی یعنی قصاص را بیان کرده باشیم.

#### نتیجه گیری:

باتوجه به مطالبی که بیان شد می توان نتیجه گرفت که اجرای حکم قصاص ضرورت دارد و ضرورت آن از این حیث است که موجب باز داری از قتل و رعایت تقوا و حیات و امنیت جامعه می شود و این که مخالفان حکم قصاص درباره این حکم می گویند که حکمی بی رحمانه است. و همچنین بازدارندگی آن از قتل را زیر سؤال می برند سخن گزافی است؛ زیرا بیان کردیم که حکم قصاص از ابتدای تشریح آن، از سوی اسلام جهت جلوگیری از انتقام جویی ها بوده است. احکام اسلام نیز بیشترین میزان کرامت را برای انسان ها در نظر گرفته است و برای اجرای قصاص نیز شرایط بسیار سختی را قائل شده است و این طور نیست که بشود به سادگی کسی را قصاص کرد.

و همچنین در این تحقیق سعی بر این بود تا از قصاص دفاع عقلی و عقلایی صورت گیرد. لذا حکمت ها و زیبایی های حق قصاص بیان شد و سپس در دو بخش مجزا به مقایسه اعدام با قصاص و مقایسه زندان با قصاص پرداخته شد و آسیب های شدید و ناعادلانه و غیر انسانی زندان و اعدام در حقوق عرفی تبیین گردید.

## منابع و مآخذ

قرآن، ترجمه فولادوند.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. آقا میر سلیم، معصومه، «جایگاه مجازات اعدام در حقوق بشر اسلام و غرب»، خبرنگار انجمن ایرانی حقوق جزا، ۱۳۸۶.
۲. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، قم، میزان، ۱۳۹۶.
۳. ایمانی، عباس، فرهنگ اصلاحات کیفری، تهران، آریان، ۱۳۸۲.
۴. الزحیلی، وهبه، ترجمه الفقه الاسلامی و ادلته، مترجم: غلام الدین کلانتری، تهران، احسان، ۱۳۸۲.
۵. انصاری، محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، قم، دار المعادن، ۱۳۹۴.
۶. ابراهیم، مصطفی، المعجم الوسیط، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵.
۷. اداره آمار دادگستری آمریکا، گزارش پایگاه اداره دادگستری آمریکا با عنوان: «sexual victimization Reported by Adult Correctional AUHORITIES»  
اسفند ۹۸، از آدرس: <http://www.bjs.gov/index.cfm?ty=pbdetail=4842>.
۸. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، مترجم: محمد علی اردبیلی، تهران، میزان، ۱۳۷۷.
۹. خزانی، منوچهر، «مجازات اعدام براساس کنفرانس بین المللی سراکیز ایتالیا»، مجله دادنامه، ۱۳۸۹.
۱۰. خبرگزاری دانشجویان ایرانی «ایسنا»، گزارش سازمان ملل متحد درباره جرایم منجر به قتل ۲۰۱۲م، ۲۴ فروردین ۹۳، به آدرس: <http://www.isna.ir/news/93012408738>.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، متن و ترجمه الاحتجاج، مترجم: بهراد جعفری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۱۴. معین، محمد، فرهنگ لغت معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۰.
۱۵. میرحسینی، سید حسین، سقوط قصاص، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
۱۶. مزروعی، رسول، «گفتاری در عقلانیت قصاص»، فقه اهل بیت (ع)، شماره ۷۵ و ۷۶، پاییز ۱۳۹۲.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب السلامیه، ۱۳۸۹.

۱۸. منصور، جهانگیر، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، دیدار، ۱۳۹۶.

۱۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، مترجم: عباس قوچانی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۳.

